

An Analysis of “Three Articles on Jihad”; A Book by Ayatollah Khamenei- Ijtihad Methodology, Fiqh-Based Neo-Intellectualism

Mohammad Soheil Bahram-Nasab *

Seminary student, level 4, Political Fiqh, Vali-e Amr Islamic Sciences Center

Abstract

Developing an Ijtihad-based methodology is to identify descriptive or analytic stages related to the process of inferring a religious decree; and developing an Ijtihad-based method is to explore ways based on which Fuqahas support an argument and infer, using recognized and available principles. Both the analytic and comparative methods are among Ijtihad-based methods. Qom’s Fiqhi (jurisprudential) school of thought employs the first one while Najaf’s Fiqhi school of thought employs the second. Each method has the parameters and steps to issue a Fatwa. By studying the Ijtihad-based method of the two schools of thoughts in Qom and Najaf and by comparing it with the Ijtihad-based method of this book (Three Articles on Jihad), this conclusion is drawn that the book’s method is “analytic-historical-realist” which can be called a comprehensive method between traditional and modern Fiqh. It seems that the Ijtihad-based methodology of the book can be a prelude to its author’s Fiqhi school of thought. Fiqh-based neo-intellectualism mainly addresses the concept of “Aman”(literally mean mercy, refuge) in Fiqh and includes structural, content, and scientific neo-intellectualism.

Keywords: methodology, Ijtihad-based method, analytic and comparative methods, Fiqh-based neo-intellectualism.

* Email: Bahramnasb395@gmail.com (Corresponding Author)

واکاوی کتاب «ثلاث رسائل فی الجهاد»، روش‌شناسی اجتهاد - نواندیشی‌های فقه‌ای

محمدسهیل بهرام‌نسب* | استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم

چکیده

«روش‌شناسی اجتهاد»، شناسایی توصیفی یا تحلیلی مراحل منضبط فرایند استنباط حکم شرعی و «روش اجتهاد»، شیوه‌ای است که در آن، فقیه براساس مبانی پذیرفته شده، استدلالی را سامان می‌دهد و بر پایه آن استنباط می‌کند. روش تجمیع ظنون (روش تحلیلی) و روش صناعت‌محور (روش تطبیقی) دوروش محوری در روش‌های اجتهاد است که مکتب فقهی قم از روش اول و مکتب فقهی نجف از روش دوم بهره برده و هر روش، دارای مختصات، آثار مترتب بر روش و گام‌های تولید فتوا است. با بررسی روش اجتهادی دو مکتب فقهی قم و نجف و مقایسه آن با مختصات روش اجتهادی این کتاب، این نتیجه به دست آمده است که روش اجتهادی این کتاب، روشی «تحلیلی - تاریخی - واقعی» است که می‌توان آن را، روش اجتهادی جامع‌نگر یا جامعیت‌محور نامید که جامع بین فقه سنتی (اصالت) و فقه نوین (معاصرت) می‌باشد. به نظر می‌رسد روش‌شناسی اجتهاد این کتاب می‌تواند مقدمه‌ای بر کشف مکتب فقهی مؤلف ژرف‌اندیش و جامع‌نگر آن باشد. نواندیشی‌های فقه‌ای این کتاب که بیشتر در باب «امان» یافت می‌شود، شامل نواندیشی‌های محتوایی، ساختاری و محصول جدید علمی است.

واژگان کلیدی: روش‌شناسی، روش اجتهاد، روش تجمیع ظنون، روش صناعت‌محور، روش تحلیلی، روش تطبیقی، نواندیشی فقه‌ای.

مقدمه

روش‌شناسی علم، از شاخه‌های فلسفه علم است و دانشی درجه دو محسوب می‌شود که از زاویه دید «روش»، به یک علم می‌نگرد. در روش‌شناسی هر علم، روش به کار گرفته شده در فرایند تولید محصول علمی، مورد بازشناسی و کشف قرار می‌گیرد و همه مراحل این فرایند، از نقطه شروع تا نقطه پایان، توصیف یا تحلیل می‌شود. اهمیت روش‌شناسی تا حدی است که برخی معتقدند: «شاخه روش‌شناسی، اساس تمام پیشرفت‌های اصیل دانش بشری می‌باشد» (بدوی، ۱۳۷۴: ۱۸۲/۴).

روش‌شناسی اجتهاد که همان روش‌شناسی فقاهت است، از مسائل فلسفه فقه به حساب می‌آید که به دنبال شناخت فلسفی فقه، از زاویه «روش» می‌باشد. سهولت و سرعت استنباط، روشمندی و نظام‌وارگی گام‌های تولید فتوا، دقیق‌سازی فرایند کشف حکم، به کمترین حد خطا رساندن زنجیره استخراج حکم، و سهولت آموزش اجتهاد، برخی فایده‌های داشتن «روش» در اجتهاد است؛ همچنان‌که سهولت کشف ریشه اختلاف فقها، کشف نظام‌وارگی فرایند تولید فتوا، اقتصاد در وقت، کشف مکاتب فقهی و به دست دادن سنجه‌ای برای مقایسه علمی آن‌ها، کشف بنیان‌های روش اجتهاد فقها و نقطه آغاز برای کشف سبک اجتهادی معیار، از دستاوردهای روش‌شناسی اجتهاد به‌شمار می‌رود. از فایده‌های یادشده به خوبی می‌توان به ضرورت روش‌شناسی اجتهاد در عرصه فقاهت پی برد.

این نوشته به روش‌شناسی اجتهاد و نواندیشی‌های فقاهتی کتاب گران سنگ «ثلاث رسائل فی الجهاد» با روش توصیفی - مقایسه‌ای و مایه مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی می‌پردازد. این کتاب، نخستین اثر فقهی منتشر شده از حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (دامت برکاته) به زبان عربی است که نگارش آن - به تصریح مؤلف محترم (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۱۶۰) - ۲۲ سال پیش، در ۱۵ ربیع‌الثانی سال ۱۴۲۰ هجری برابر با ۷ مرداد سال ۱۳۷۸ به پایان رسیده است. موضوع این اثر ارزشمند، بررسی فقهی عمیق و استدلالی سه مسئله «امان»، «صابنه» و «مهاده» از باب‌های مربوط به بحث جهاد است که با تبیین دقیق ابعاد فقهی «پایان دادن به جنگ»، پاسخی درخور، به شبهه سیه‌اندیشان مبنی بر اینکه «اسلام خود را با شمشیر بر مردم تحمیل کرده است»، به‌شمار می‌رود. با توجه به نوین بودن روش اجتهادی معظّم‌له در این کتاب، معرفی روش اجتهاد ایشان ضرورت دارد و می‌تواند مقدمه‌ای برای کشف مکتب فقهی ایشان باشد.

پرسش اصلی این نوشته، چیستی روش اجتهاد و نواندیشی‌های فقاهتی به‌کار رفته در این کتاب است؛ که با پاسخ به پرسش‌هایی همچون چیستی مفهومی «روش‌شناسی اجتهاد»، چیستی روش اجتهاد در مکتب فقهی نجف و مکتب فقهی قم، برآورد مقایسه روش اجتهاد به‌کار رفته در کتاب با روش اجتهادی در دو مکتب یادشده و چیستی گام‌های تولید فتوا، همراه می‌شود. بر این اساس، پس

از مفهوم‌شناسی، روش اجتهاد در دو مکتب یادشده شناسایی می‌شود و سپس روش‌شناسی اجتهاد این کتاب، در قالب بیان مختصات تفصیلی روش اجتهادی و گام‌های تولید فتوا معرفی می‌شود و در پایان، نواندیشی‌های فقه‌ای در هر کدام از موضوعات «امان»، «صابئه» و «مهاده» تبیین می‌گردد. تاکنون در موضوع روش‌شناسی اجتهاد - که چند دهه بیشتر از عمرش نمی‌گذرد - نشست‌های علمی متعددی برگزار شده و مقالات متعددی از جمله «روش‌شناسی اجتهاد در اقوال» (مبلغی، ۱۳۹۰ الف)، «روش‌شناسی فقه حکومتی» (مرتضوی‌نژاد؛ میرباقری، ۱۳۹۶) و «شیوه شیخ انصاری در فقه» (عابدی، ۱۳۷۳) و چند کتاب از جمله «اجتهاد و بررسی روش‌های آن» (دفتر فرهنگستان علوم اسلامی قم، ۱۳۹۲) و «الگوریتم اجتهاد» (واسطی، ۱۳۹۵) و نیز چند کتاب در موضوع مکاتب فقهی - با درون‌مایه روش‌شناسی اجتهاد - از جمله «در آمدی بر مکتب فقهی قم و نجف» (ایزدهی، ۱۳۹۸) و «پیش‌درآمدی بر مکتب‌شناسی فقهی» (ضیائی‌فر، ۱۳۸۵) و دو پایان‌نامه با عنوان «بررسی و روش‌شناسی تحلیلی در مکتب قم و نجف» (جعفری، ۱۳۹۸) و «متدولوژی اجتهاد فقهی» (گلاب‌بخش، ۱۳۸۲) نوشته شده است. در موضوع روش‌شناسی اجتهاد کتاب «ثلاث رسائل فی الجهاد» تاکنون اثری منتشر نشده و تنها چند نشست علمی برگزار شده است.

مفهوم‌شناسی

۱. روش

واژه «روش» در عرف، به معنای سبک و شیوه و در اصطلاح، «طریق و موردی است که انسان در آن و براساس آن، عمل می‌کند» (صانعی دره‌بیدی؛ صلیبا، ۱۳۶۶: ۵۸۵). مقصود از روش در اجتهاد، شیوه‌ای است که در آن، فقیه براساس مبانی پذیرفته شده‌اش، استدلالی را سامان می‌دهد و بر پایه آن استنباط می‌کند. در واقع شیوه‌ها و مبانی با هم تعامل دارند؛ برای مثال اگر عقل به‌عنوان یک منبع پذیرفته شود، فقیه از روش‌های عقلی نیز استفاده می‌کند (ضیائی‌فر، ۱۳۸۵: ۳۲۶).

۲. روش‌شناسی

روش‌شناسی عبارت است از «تعیین و توصیف دقیق مرحله به مرحله و قدم به قدم عملیات حل یک مسئله به‌طوری که نقطه آغاز و پایان، تعداد مراحل، ترتیب منطقی مراحل، دستورالعمل‌های اجرایی در هر مرحله توصیف شده باشد» (واسطی، ۱۳۹۵: ۱۰). روش‌شناسی به دو گونه «توصیفی» و «هنجاری» انجام می‌گیرد.

۳. اجتهاد

واژه «اجتهاد» در لغت از ریشه (ج - ه - د) به معنای نهایت تلاش و به کار گرفتن تمام توان برای رسیدن به مقصود است (جوهری، ۱۳۷۶: ۴۶۱/۲؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۳۲/۳؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۱۱۲/۱) و در اصطلاح به معنای ملکه استنباط احکام شرعی از ادله تفصیلی فعلی (عراقی، ۱۳۸۸: ۲۵؛ موسوی خویی، ۱۴۱۷: ۳۶۵/۴) و اخذ حکم از مدرک حکم (اصفهانی، ۱۳۷۴: ۴۶۱/۳) آمده است. در معنای اول، قوه اجتهاد و در معنای دوم، معنای مصدری اجتهاد - به دست آوردن حکم - مدنظر قرار گرفته است. با توجه به اینکه متفاهم عرفی از این واژه، معنای مصدری آن است، نه قوه اجتهاد، معنای دوم صحیح می‌باشد.

۴. روش‌شناسی اجتهاد

از آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که روش‌شناسی اجتهاد عبارت است از شناسایی توصیفی یا تحلیلی مراحل منضبط فرایند استنباط حکم شرعی.

روش‌شناسی اجتهادی به دو گونه توصیفی و هنجاری انجام می‌گیرد. روش‌شناسی هنجاری یعنی شناسایی عناصر یک روش درست پرداختن به استنباط و بحث آزادانه درباره آن. درحالی‌که روش‌شناسی توصیفی به معنای شناسایی و توصیف روش‌های اجتهادی موجود است (مبلغی، ۱۳۹۰ ب). به تعبیر دیگر، روش‌شناسی هنجاری، روشی است که در آن باید‌ها و نبایدها ارائه می‌شود و شخص روش‌شناس، روش مورد بررسی خود را آماج باید‌ها و نبایدها قرار می‌دهد و با نگاه هنجارشناسانه به آن می‌نگرد؛ این درحالی است که در روش‌شناسی توصیفی، تنها به ارائه گزارش بسنده می‌شود.

روش‌شناسی توصیفی، گاهی توصیفی تطبیقی است و گاهی توصیفی تاریخی. در گونه نخست، روش اجتهادی یک فقیه در مقایسه با روش فقیه دیگر سنجیده می‌شود. ولی در گونه دوم، روش‌های اجتهادی که در طول تاریخ شکل گرفته، بازشناسی شده و تطورات آن‌ها بررسی می‌گردد (مبلغی، ۱۳۹۰ ب).

۵. روش اجتهادی معیار

با دو سبک می‌توان به روش‌شناسی اجتهاد پرداخت: «سبک مختصاتی» و «سبک معیاری». در سبک نخست، به شناسایی و معرفی مختصات روش اجتهادی بسنده می‌شود، بدون اینکه جایگاه آن روش اجتهادی در جغرافیای روش‌های اجتهادی مشخص گردد. برای مثال در روش‌شناسی اجتهاد محقق خویی، به مختصاتی همچون کثرت تفریع فروع، عدم حجیت شهرت، بی‌اعتنایی به اقوال گذشتگان، سخت‌گیری در اعتماد به روایات و مانند آن اشاره می‌شود. اما در سبک معیاری، روش‌شناس با دست گرفتن سنج‌های به نام «روش‌های اجتهادی معیار» پس از ملاحظه مختصات

هر روش اجتهادی، آن روش اجتهادی را منطبق با یکی از روش‌های اجتهادی معیار معرفی می‌کند و خصوصیات آن روش اجتهادی معیار را به آن نسبت می‌دهد. در این نوشته، از هر دو سبک روش‌شناسی استفاده می‌شود.

«روش اجتهادی معیار»، روش اجتهادی انتزاع شده از چندین روش اجتهادی است که معیاری برای شناخت و نیز تطبیق روش‌های اجتهادی هم‌جنس خود می‌باشد. روش اجتهادی معیار با اشتراک‌گیری از مختصات روش‌های اجتهادی گوناگون به دست می‌آید. برای نمونه، روش اجتهادی «تجمیع ظنون»، یک روش اجتهادی معیار است که از مطالعه مختصات روش اجتهادی عده‌ای از فقها و اشتراک‌گیری از آن‌ها به دست آمده است؛ در این روش، تجمیع ظنون، محور اساسی اجتهاد می‌باشد.

در کمیّت گونه‌های روش اجتهادی معیار، دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه نخست: همه روش‌های اجتهاد به دو روش اجتهادی برمی‌گردد:

۱. روش اجتهادی «تجمیع ظنون» (فقه قناعت، فقه ضمانتی)؛ در این روش، مبنای غالب در اجتهاد، تجمیع ظنون و به اطمینان رسیدن از طریق آن است. از آنجا که محور اساسی در این روش، اطمینان و قناعت وجدان فقیه می‌باشد، از آن به «فقه قناعت» نیز تعبیر شده است. چنان‌که به جهت ضمیمه کردن شواهد و قرائن، به آن، «فقه ضمانتی» هم می‌گویند. شیخ انصاری، صاحب‌جواهر، بروجردی و شیخ عبدالکریم حائری دارای این روش اجتهادی بوده‌اند.

۲. روش اجتهادی صناعت‌محور (فقه صناعت، فقه مدرسه‌ای، فقه ریاضی)؛ در این روش فقیه با استفاده از ادله اثبات شده در اصول فقه، استنباط می‌کند و اگر آن ادله فاقد شرایط حجیت باشند، کنار گذاشته می‌شود و نوبت به اصول عملیه می‌رسد. این روش طبق صناعت اصولی، استنباط بسیار منضبط مدرسه‌ای و برخوردی کلاسیک با قواعد اصولی دارد. براساس این روش، مسائل علم فقه دارای قواعدی مشخص و اصولی معین است که فقیه در مقام استنباط، از آن قواعد تجاوز نمی‌کند. محقق خویی، فرد شاخص این روش اجتهادی می‌باشد (علیدوست؛ لطفی، ۱۳۹۹: ۱۲۵).

این دو روش اجتهادی، در کنار یکدیگر در تمامی حوزه‌های علمیه، چه قم و چه نجف وجود دارد؛ البته ممکن است شدت و ضعف داشته باشد، برای مثال، روش نخست، در زمان شیخ عبدالکریم حائری و بروجردی در قم غالب است، در حالی که روش دوم، در زمان میرزای نائینی، آقاضیا عراقی، محقق اصفهانی و به‌ویژه محقق خویی در نجف سیطره دارد (ایزدهی؛ علیدوست، ۱۳۹۸: ۵۱).

دیدگاه دوم: روش‌های اجتهادی به سه روش اجتهادی برمی‌گردد:

۱. روش تطبیقی: در این روش اجتهادی، تمام نگاه فقیه در استنباط، متوجه تطبیق قاعده است و کاری به قرائن و تجمیع قرائن ندارد.

۲. روش تنزیهی: در این روش اجتهادی، فقیه همواره دنبال دو تنزیه است: اول، تنزیه خود با نگاه به آخرت و دوم، تنزیه فقهای سلف. چنین فقیهی تلاش می‌کند ببیند سلف چه گفته‌اند تا از آنجا شروع کند و جلو برود.

۳. روش تحلیلی: در این روش، فقیه به دنبال تحلیل است و در نخستین مواجهه با مسئله، تلاش تحلیلی می‌کند. فقیه تحلیلی بر چهار قسم می‌باشد:

۱-۳. تحلیلی تاریخی: فقیه این روش، تحلیل خود را متوجه تاریخ می‌کند، البته تاریخ درون فقها یعنی دیدن تاریخ یک مسئله. ابزار چنین فقیهی، قرائن‌یابی است به جهت اینکه کشف حقایق تاریخی سخت می‌باشد. بنابراین از تجمیع قرائن استفاده می‌کند. شهید اول، قهرمان میدان تحلیل تاریخی است. امام خمینی و بروجردی هم از این روش بهره می‌برند.

۲-۳. تحلیلی فلسفی: در این روش، از سوی فقیه، تحلیل‌های دقیق حتی گاهی با درون‌مایه‌های فلسفی صورت می‌گیرد. محقق اصفهانی مبانی فلسفی و آقا ضیاء عراقی دقت و بحث عمیق را در تحلیل خود اشراک می‌کنند.

۳-۳. تحلیلی عرفی: در این روش، اساس تحلیل در بستر عرف و با توجه به مناسبات اجتماعی و ارتکازات و عرفیات است و تحلیل از خاستگاه عرف بیرون می‌آید. چنین فقیهی ارتکازات نیرومندی دارد و بر همین اساس واژه‌های «ارتکاز» و «مرتکز» را زیاد به کار می‌برد. نائینی، از این روش بهره می‌برد.

۴-۳. تحلیلی واقعی: در این روش، متعلق تحلیل، واقعیت و واقع است. امام خمینی در اواخر عمر شریفش، از این روش بهره می‌گرفت. این روش، خاستگاه نظریه زمان و مکان ایشان می‌باشد. نگاه این روش، به واقعیت و سیطره نظام‌های واقعی است (مبلغی، ۱۳۹۰ ب).

نکته دارای اهمیت در روش اجتهادی معیار این است که اگر به فقیهی، یک روش اجتهادی معیار نسبت داده می‌شود به این معنا نیست که او از دیگر روش‌های اجتهادی معیار، بی‌بهره باشد و بهره‌گیری از آن‌ها را ممنوع بدانند. بر این پایه، ممکن است فقیهی که دارای روش صناعت‌محور می‌باشد، گاهی از تجمیع ظنون برایش اطمینان حاصل شود و براساس همان اطمینان، فتوا دهد. پس آنچه گفته شد، ناظر به روش غالب است.

با دقت در دو دیدگاه یادشده می‌توان گفت روش صنعت‌محور در دیدگاه نخست، همان روش تطبیقی در دیدگاه دوم است؛ چنان‌که روش تجمیع‌ظنون در دیدگاه نخست، همان روش تحلیلی در دیدگاه دوم است. نظر به اینکه روش تنزیهی را نمی‌توان یک روش اجتهادی مستقل و اساسی دانست، در جمع‌بندی دو دیدگاه یادشده می‌توان دو روش اصلی معیار را به روش‌های اجتهادی نسبت داد: روش تجمیع‌ظنون (روش تحلیلی) و روش صنعت‌محور (روش تطبیقی).

روش‌شناسی اجتهاد مکتب فقهی قم و مکتب فقهی نجف

مکتب فقهی قم به معنای مکتب فقهی رایج در میان غالب فقهای قم است، نه اینکه به لزوم، همه فقهای قم پیرو چنین مکتبی باشند. این سخن در مورد مکتب فقهی نجف هم جاری است. البته گاهی، فقهی اهل نجف می‌باشد، اما روش اجتهادی او همانند روش اجتهادی مکتب قم است، چنان‌که عکس این هم وجود دارد. این ناهمگونی در تطبیق، بدان جهت است که در اصطلاح «مکتب فقهی قم و نجف»، نظر به غالب افراد بوده و این تعبیر با «مسامحه در تطبیق مصادیق»، رایج شده است.

۱- روش اجتهادی مکتب فقهی نجف

تیین کوتاه این روش اجتهادی، در ضمن پنج عنوان صورت می‌گیرد: روش اجتهادی معیار، افراد شاخص، مختصات روش اجتهادی، آثار مترتب بر روش و گام‌های تولید فتوا.

۱-۱- روش اجتهادی معیار

روش اجتهادی مکتب فقهی نجف، «صناعت‌محور» (قاعده‌گرا) است (ایزدهی؛ علیدوست، ۱۳۹۸: ۴۶ و ۴۷) که از آن به «روش تطبیقی» (ایزدهی؛ مبلغی، ۱۳۹۸: ۳۸)، «فقه فنی» (ایزدهی؛ علوی، ۱۳۹۸: ۶۹)، «فقه صنعت»، «فقه مدرسه‌ای» و «فقه ریاضی» (علیدوست؛ لطفی، ۱۳۹۹: ۱۲۹) هم تعبیر می‌شود.

۱-۲- افراد شاخص

علامه حلی، نائینی، آقا ضیا عراقی، محقق اصفهانی و محقق خوئی از این روش اجتهادی پیروی می‌کنند (ایزدهی، ۱۳۹۸: ۱۸۴، ۱۴۵، ۱۳۶) که در این میان محقق خوئی، فرد بارز این مکتب است (ضیائی‌فر؛ هادوی، ۱۳۸۵: ۳۵۱).

۱-۳- مختصات روش اجتهادی

در روش اجتهادی صنعت‌محور، شهرت فتوایی اعتباری ندارد. اگر روایت سند درستی داشته باشد، مقبول می‌افتد و اگر نداشته باشد کنار گذاشته می‌شود. در این روش اجتهادی، عقل کمتر به‌کار گرفته می‌شود و رفت و برگشت‌های فقیه در مسئله کم است. نظر فقیه صنعت‌محور، قابل

پیش‌بینی می‌باشد، چون براساس مبانی و روش وی می‌توان گفت در مسئله به چه نتیجه‌ای می‌رسد (ایزدهی؛ علیدوست، ۱۳۹۸: ۴۶-۴۹، ۵۷). از علم اصول زیاد استفاده می‌شود و دقت‌های عقلی فراوانی در مسائل به‌کار گرفته می‌شود. از نظر اعتماد به روایات سخت‌گیری‌های خاصی اعمال می‌گردد و توجه چندانی به اقوال گذشتگان نمی‌شود. کثرت تفریع فروع، مشخصه دیگر این روش است (ایزدهی؛ عندلیب، ۱۳۹۸: ۱۸۴-۱۸۵). در روش صناعت‌محور، به‌طور عمده بحث‌ها براساس قالب‌ها و اسلوب‌های علمی به اثبات رسیده در علم اصول است (ایزدهی؛ قائینی، ۱۳۹۸: ۲۰۰). پرچم‌دار این روش، محقق خوبی می‌باشد. ایشان اجماع را قبول ندارد، اما به سیره اعتنا می‌کند و در کلام‌شان زیاد به آن تمسک می‌کند و آن را از استظهارات عرفی به‌شمار می‌آورد. روایات را طائفه‌بندی می‌کند و در بررسی آن‌ها، خبر ثقه را حجت می‌داند، نه اینکه موثوق‌الصدوری باشد (ایزدهی؛ قائینی، ۱۳۹۸: ۲۰۲-۲۰۳). وی، شهرت عملی را نه جابر ضعف سند می‌داند، نه جابر ضعف دلالت و اعراض مشهور را هم کاسر نمی‌داند (ایزدهی؛ علیدوست، ۱۳۹۸: ۵۵)، تتبع چندانی در اقوال نمی‌کند و به اقوال موجود در کتاب «حدائق» اکتفا می‌کند و در بیان اقوال دیگران، تبیین و تقریر قوی و جدید ارائه می‌دهد (ایزدهی؛ کاهانی، ۱۳۹۸: ۱۵۶، ۱۵۱).

۱-۴- آثار مترتب بر روش «صناعت‌محور»

آثار متعددی بر این روش مترتب است که عبارت‌اند از:

۱. عدم حجیت «اجماع» و «شهرت فتوایی»
۲. عدم جابریت و کاسریت «شهرت عملی»
۳. کارایی اندک «عقل» و «تبع اقوال»
۴. حجیت «وثاقت مُخبری» و «سیره»

۱-۵- گام‌های تولید فتوا

در این روش، گام‌های تولید فتوا به این ترتیب است:

۱. بیان مقتضای اصل در مسأله
 ۲. دسته‌بندی و طائفه‌بندی روایات
 - ۱-۲. تمسک به آیات در ضمن استدلال به برخی روایات
 - ۲-۲. نتیجه‌گیری نهایی
 ۳. رجوع به اصول عملیه (در صورت نرسیدن به حکم)
- (ایزدهی؛ قائینی، ۱۳۹۸: ۲۰۲).

۲- روش اجتهادی مکتب فقهی قم

تبیین کوتاه این روش اجتهادی نیز در ضمن پنج عنوان صورت می‌گیرد: روش اجتهادی معیار، افراد شاخص، مختصات روش اجتهادی، آثار مترتب بر روش، گام‌های تولید فتوا.

۲-۱- روش اجتهادی معیار

روش اجتهادی مکتب فقهی قم، «تجمیع ظنون» است (ایزدهی؛ علیدوست، ۱۳۹۸: ۴۷) که از آن به «فقه قناعت»، «فقه ضمانی» (علیدوست؛ لطفی، ۱۳۹۹: ۱۲۸) و «فقه تحلیلی» (مبلغی، ۱۳۹۰ ب) هم تعبیر می‌شود.

۲-۲- افراد شاخص

صاحب جواهر، شیخ انصاری، محقق داماد، شیخ عبدالکریم حائری، بروجردی و امام خمینی از پیروان روش «تجمیع ظنون» هستند (مبلغی، ۱۳۹۰ ب؛ ایزدهی، ۱۳۹۸: ۱۹۱، ۴۹). اوج این روش در اجتهاد آیت‌الله بروجردی دیده می‌شود. وی فرد بارز این روش و به‌درستی، فقیهی مکتب‌ساز است (ایزدهی، ۱۳۹۸: ۱۸۵، ۸۰، ۲۳۳).

۲-۳- مختصات روش اجتهادی

در این روش، «شهرت» هم جابر سند و دلالت است و هم کاسر یعنی ظهور شکن می‌باشد. به «عقل» - به جهت اینکه ظن آور است - مجال داده می‌شود. در این روش، فقیه پیش از فتوا، آثار آن را در جامعه بررسی می‌کند و از اثر فتوا به صحت و فساد فتوا می‌رسد. رفت و برگشت‌های فقیه در مسئله بسیار زیاد است و نظر نهایی او قابل‌پیش‌بینی نیست (ایزدهی؛ علیدوست، ۱۳۹۸: ۴۷-۵۷). بیشتر از «عرف» استفاده می‌شود و کمتر دقت‌های اصولی اعمال می‌شود (ایزدهی؛ عندلیب، ۱۳۹۸: ۱۹۰). «اجماع»، «شهرت»، «فتاوی‌ای فقه‌ها» و «استظهار از کلمات آن‌ها» جایگاه خاصی در این روش دارد و از اصول فقه، تنها در جایی که نیاز واقعی فقه طلب‌کنند، استفاده می‌شود (ایزدهی؛ قائینی، ۱۳۹۸: ۲۰۴، ۲۰۷). طلایه‌دار این روش، آیت‌الله بروجردی است. وی نسبت به روایات، از طائفه‌بندی و دسته‌بندی کمک می‌گیرد، به طبقات روایات توجه ویژه دارد (بروجردی، ۱۴۱۶: ۲۲، ۴۳)، شرایط زمانی و مکانی صدور روایت و خصوصیات راوی را لحاظ می‌کند و تا جایی که ممکن است اصول را بر اساس احکام عقلیه و سیر عقلانیه بنا می‌کند (ایزدهی؛ علوی، ۱۳۹۸: ۹۴، ۱۰۲)، وثاقت خبری را حجت می‌داند نه وثاقت مخبری (ایزدهی؛ قائینی، ۱۳۹۸: ۲۰۳) و به تتبع گسترده اقوال و احادیث اهتمام ویژه دارد. (ایزدهی، ۱۳۹۸: ۲۳۶) استفاده فراوان از اقوال فقهای اهل تسنن (بروجردی، ۱۴۱۶: ۳۹؛ ایزدهی؛ علوی، ۱۳۹۸: ۸۹)، بررسی سیر تاریخی

مسئله (بروجردی، ۱۴۱۶: ۱۶) و توجه به اقوال گذشتگان (ایزدهی؛ عندلیب، ۱۳۹۸: ۱۸۵) از دیگر ویژگی‌های روش ایشان است.

۴-۲- آثار مترتب بر روش «تجمیع ظنون»

آثار متعددی بر این روش مترتب است که عبارتند از:

۱. حجیت «اجماع»، «شهرت» و «سیره»
۲. جابریت و کاسریت «شهرت»
۳. توجه ویژه به «عرف»، «عقل»، «تتبع اقوال» و «اقوال عامه»
۴. حجیت «وثاقت خبری»
۵. لحاظ آثار اجتماعی فتوا

۲-۵- گام‌های تولید فتوا

در این روش، گام‌های تولید فتوا با این ترتیب است:

۱. ذکر اقوال شیعه و اهل تسنن و بررسی استدلال‌های آن‌ها
 ۲. فهرست ادله براساس اقوال
 - ۱-۲. آیات
 - ۲-۲. روایات
 - ۲-۲-۱. بررسی جداگانه هر روایت و نتیجه‌گیری از آن
 - ۲-۲-۲. مقایسه نتایج به‌دست آمده از بررسی هر روایت، با یکدیگر
 - ۲-۲-۳. جمع‌بندی نتایج به‌دست آمده و نتیجه‌گیری نهایی
 ۳. اصول علمیه (درصورت نرسیدن به حکم)
- (ضیائی‌فر؛ هادوی، ۱۳۸۵: ۳۵۱؛ ایزدهی؛ قانینی، ۱۳۹۸: ۲۰۷)

جدول مقایسه آثار روش اجتهادی مکتب قم و مکتب نجف

ردیف	آثار روش اجتهادی مکتب نجف	آثار روش اجتهادی مکتب قم
۱.	عدم حجیت «اجماع»، «شهرت»	حجیت «اجماع»، «شهرت»
۲.	عدم جابریت و کاسریت «شهرت»	جابریت و کاسریت «شهرت»
۳.	کارایی اندک «عقل» و «تتبع اقوال»	توجه ویژه به «عرف»، «عقل»، «تتبع اقوال»

۴.	عدم توجه به «اقوال اهل تسنن»	توجه به «اقوال اهل تسنن»
۵.	عدم توجه به آثار اجتماعی فتوا	توجه به آثار اجتماعی فتوا
۶.	حجیت «وثوق مُخبري» و «سیره»	حجیت «وثوق خبري» و «سیره»

روش‌شناسی اجتهاد در کتاب «ثلاث رسائل فی الجهاد»

روش‌شناسی اجتهاد این کتاب در ضمن پنج عنوان صورت می‌گیرد: «ساختار بنیادین»، «روش اجتهادی معیار»، «مختصات روش اجتهادی»، «آثار مترتب بر روش» و «گام‌های تولید فتوا».

۱. ساختار بنیادین

ساختار بنیادین و روش محوری اجتهاد در این کتاب، «فقه جواهری» است، «همان فقه سنتی رایج با «متد فقهت» که همان روش رایج فقها می‌باشد، یعنی استفاده از ظواهر، علاج مشکلات ظواهر و امارات و مراجعه به اصول عملیه در صورت دست نیافتن بر امارات» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۴/۲۰)؛ مختصات «فقه جواهری» در نگاهی کلی عبارت است از: «انباشت اطلاعات مختلف فقهی»، «استفاده از مذاق شرع در استنباط»، «تأکید بر اصالت‌های فقه»، «نوآوری»، «جرات نقد نظرات دیگران» (ایزدهی؛ مبلغی، ۱۳۹۸: ۴۰)، «اهمیت ویژه استظهارات، اجماع، شهرت و سیره»، «تلاش حداکثری جهت جمع بین روایات متعارض» (ایزدهی؛ فائینی، ۱۳۹۸: ۲۰۸)، «محدود بودن به قواعد اصولی و فقه صناعت‌محور»، «عنایت به فهم عرفی»، «توجه به عنصر زمان و مکان» (ایزدهی؛ عندلیب، ۱۳۹۸: ۲۴۸)، «اعتنا به روایت ضعیف» (علیدوست، ۱۳۹۷). تمامی ویژگی‌های یادشده، در روش اجتهادی به‌کار رفته در کتاب «ثلاث رسائل فی الجهاد» قابل‌برگیری است.

۲. روش اجتهادی معیار

در این کتاب، روش اجتهادی معیار، آمیزه‌ای از روش «صناعت‌محور» و روش «تجمع‌ظنون» می‌باشد که در این میان، سهم روش دوم بیشتر است چنانکه «گام‌های تولید فتوا» در آن، شباهت بسیاری به الگوی «گام‌های تولید فتوا» در روش دوم دارد. با این حال، «مختصات روش اجتهادی» نشان خواهد داد که در این کتاب، از «روش صناعت‌محور» هم استفاده شده است. تطبیق مقایسه‌ای این سخن، پس از برشمردن مختصات روش اجتهادی، صورت می‌گیرد.

۳. مختصات روش اجتهادی

مختصات روش اجتهادی کتاب «ثلاث رسائل فی الجهاد» در ضمن این عناوین، ارائه می‌شود: «مفهوم‌پژوهی»، «کشف موضوع»، «تبارشناسی»، «بررسی ادله»، «سنجه مصلحت» و «تولید فتوا».

۳-۱- مختصات روش اجتهادی در «مفهوم‌پژوهی»

«مفهوم‌پژوهی» امری فراتر از «مفهوم‌شناسی» است. «مفهوم‌شناسی»، شناسایی بسیط مفهوم از کتب لغت می‌باشد، درحالی‌که «مفهوم‌پژوهی» یک فرایند است که در قالب پژوهش تفصیلی مفهوم صورت می‌گیرد، به‌طوری‌که شناسایی مفهوم از کتب لغت، تنها بخشی از این فرایند را تشکیل می‌دهد. آنچه در کتاب «ثلاث رسائل فی الجهاد» دیده می‌شود، «مفهوم‌پژوهی» است. فرایند یادشده در این کتاب، از مجموع دو بخش «بررسی مفهوم لغوی» و «بررسی مفهوم اصطلاحی» قابل استفاده می‌باشد.

۳-۱-۱- مفهوم لغوی

در این کتاب، در شناسایی مفهوم لغوی، ابتدا کتب اهل لغت مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس معانی به دست آمده به معنایی واحد برگردانده شده و پس از ملاحظه موارد استعمال آن مفهوم در لغت، مفهوم نهایی نتیجه‌گیری می‌شود. در دو جا مفهوم لغوی بررسی شده است:

۱. در ابتدای باب «امان» (ص ۳). در این بخش ابتدا دو مترادف (ذمام و جوار) برای واژه «امان» ذکر شده و سپس با یادنگاری این نکته که هر سه واژه به یک معنای واحد برگشت دارد، معنای هر یک تبیین شده و در نهایت با بیان مواردی از استعمال «ذمام» در لغت، بررسی مفهومی واژه «امان» جمع‌بندی شده است.

۲. در ابتدای باب «مهاده» (ص ۱۹۹). در این بخش، مفهوم واژه «مهاده» مورد بررسی اجمالی قرار گرفته و تنها به ریشه معنایی و موارد استعمال آن اشاره شده است.

۳-۱-۲- مفهوم اصطلاحی (تعریف)

بررسی مفهوم اصطلاحی یک واژه در این کتاب، در یک فرایند رخ می‌دهد که با استفاده از «خاستگاه فقهی واژه»، «متبادر و متفاهم از ادله»، «فرق‌های معنایی لغات» و «لحاظ معنای لغوی» صورت می‌گیرد. بر این اساس، در واژه‌شناسی «امان»، پس از نقل و بررسی کلمات فقها (ص ۴) و دقت در فرق‌های لغات (ص ۶)، با توجه به متبادر و متفاهم ادله (ص ۵) و نیز «لحاظ معنای لغوی»، تعریفی جدید ارائه شده است. این روش با اندکی تفاوت، در واژه‌شناسی «مهاده» هم به کار رفته است (ص ۲۰۰). تلاش برای جمع میان معنای لغوی و اصطلاحی، نکته‌ای است که از آن به «لحاظ معنای لغوی» تعبیر شد و در واژه‌شناسی «امان» دیده می‌شود؛ آنجا که تعبیر «رفع خوف و خطر» - که در معنای لغوی بر آن تأکید شده - در معنای اصطلاحی «امان» به کار می‌رود: «قراری

که از سوی مسلمانان به جهت رفع خوف و خطر ناشی از جنگ یا حالت جنگ، در حق یک یا چند نفر از کفار صادر می‌شود» (ص ۶).

۳-۲- مختصات روش اجتهادی در «کشف موضوع»

دو واژه «موضوع» و «متعلق»، در کلمات فقها گاهی به جای یکدیگر به کار رفته و گاهی مراد از «موضوع»، اعم از «موضوع» و «متعلق» است (موسوی‌خویی، ۱۴۱۷: ۱۸۶/۳). در این بحث، مراد از «موضوع»، اعم از «موضوع» و «متعلق» می‌باشد. «متعلق»، آن چیزی است که حکم به آن تعلق می‌گیرد که در واقع، همان «فعل» یا «ترک» طلب شده از مکلف می‌باشد (نائینی، ۱۳۷۶: ۱۴۵/۱). در حالی که «موضوع»، عبارت است از مجموع چیزهایی که فعلیت حکم مجعول، بر آن‌ها توقف دارد. برای مثال، «مکلف مستطیع»، موضوع برای «وجوب حج» می‌باشد، زیرا فعلیه این حکم، متوقف بر آن است (صدر، ۱۴۱۸: ۱۲۱/۱).

در یک نگاه کلی می‌توان گفت در این کتاب، موضوعات مسائل فقهی و متعلقات احکام، متناسب با شناخت از دولت، الزامات مدیریت دولتی و کشورداری و شرایط تحولات جهانی، فهم شده است (کعبی، ۱۳۹۸).

۳-۲-۱- روش‌های کشف موضوع

مراد از کشف موضوع، تنها این نیست که موضوعی مجهول باشد و با روشی کشف گردد، بلکه مواردی را هم شامل می‌شود که با وجود معلوم بودن اصل موضوع، با روش‌هایی خاص، موضوع جدیدی از جهت سعه یا ضیق به دست آید. در این کتاب، موضوع حکم، از روش‌های متعددی کشف شده است که عبارت‌اند از:

۱. تمسک به قاعده «مناسبت حکم و موضوع». معنای این قاعده، عبارت است از «ملانمت عرفی یا عقلی واضح بین حکم و موضوع که با آن، خصوصیت موضوع واقعی یا حکم یا حیثیت دیگری که مربوط به موضوع یا حکم باشد، کشف می‌شود» (لجنة الفقه المعاصر، ۱۴۴۱: ۲۲۱). از این قاعده در موارد متعددی برای «کشف»، «تقیید» و «تضییق موضوع» استفاده شده است: تبیین وصف موضوع (وصف قیّم یتیم) (ص ۶۸)، تقیید موضوع (هدنه، صلح) به مصلحت (ص ۲۰۲ و ۲۰۶)، تبیین خاستگاه موضوع (صلح) (ص ۲۱۸)، تضییق موضوع (انفاق، مردان پناهنده به لشکر مسلمانان) (ص ۲۳۵ و ۲۴۵).

۲. استفاده از «تنقیح مناط» و «الغای خصوصیت» جهت توسعه دایره موضوع. مراد از «تنقیح مناط»، کشف مناط حکم در اصل و احراز وجود آن در فرع و نفی وجود مانع یا مزاحم اقوی است

(لجنة الفقه المعاصر، ۱۴۴۱: ۲۰۱). چنان‌که مراد از «الغای خصوصیت»، الغای ویژگی‌های غیر مؤثر در تعلق حکم، به‌منظور توسعه در مصادیق متعلق حکم می‌باشد (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹: ۲۳۶). از این روش در چند مورد استفاده شده است که از آن جمله می‌باشد: توسعه دامنه موضوع «امان» (ص ۳۱)، توسعه موضوع در عنوان «من له شبهة کتاب» در باب صابنه (ص ۱۷۴)، توسعه موضوع حجیت قول کسی که ادعا می‌کند اهل کتاب است (ص ۱۷۸) و توسعه موضوع «احتیاط در امر دماء» در همان باب (ص ۱۸۷).

۳. بهره‌گیری از «ارتکازات ذهنی» جهت تضییق موضوع حکم. در باب «امان»، موضوع، در بحث «تعداد افراد مورد امان»، با کمک ارتکازات ذهنی، تضییق شده و از توسعه آن به «تمام افراد اهل یک کشور» و مانند آن، جلوگیری شده است (ص ۵۰).

۴. استناد به «فرق‌های معنایی». از این روش در باب «امان» به‌منظور تبیین موضوع صحت «امان»، استفاده شده و با استناد به تفاوت معنایی میان «مکره» و «مضطر»، مورد اول از موضوعیت برای «امان» خارج شده است (ص ۷۲).

۵. دخالت دادن عنصر «زمان» و «مکان» در کشف موضوعات جدید. دو عنصر «زمان» و «مکان»، در کشف موضوعات جدید فقهی نقش جدی دارد. برای مثال، کفاری که برای گردشگری یا تجارت و مانند آن وارد کشور اسلامی می‌شوند، از موضوعات جدید در باب «امان» است که در این کتاب، با در نظر گرفتن عنصر «زمان»، «مکان» و «عرف‌های جدید زمانی و مکانی» شناسایی شده است. در چنین موضوعاتی، کیفیت صدور «امان» تغییر می‌کند و در قالب «خوش آمد گویی» یا «دادن ویزا» تحقق می‌یابد (ص ۲۹، ۳۰).

۶. استفاده از پیشینه و وضوح مفهومی «متعلق حکم» جهت اثبات سعه «موضوع حکم». در این کتاب، با لحاظ پیشینه و وضوح معنایی «امان»، سعه موضوع این‌گونه اثبات شده است: «امان» از لحاظ مفهومی، امری واضح در نزد مسلمانان بوده و مردم عرب، این مفهوم را بسیار در زندگی اجتماعی و فردی خود به کار می‌بردند و آنچه در بین آنان معمول بوده، امان دادن به هر کسی بوده که با آن‌ها وضعیت مخاصمه و جنگ داشته، نه فقط کسی که با آنان می‌جنگید» (ص ۲۷).

۷. تعیین مصادیق «موضوع» با سنجه «عرف». مشهور بین فقها این است که نظر عرف، در تعیین مفاهیم حجت می‌باشد، نه در تعیین مصادیق؛ بر همین اساس، حجیت نظر عرف در تعیین مصادیق

«موضوع» از موارد اختلافی در فقه است. از میان فقها، محقق داماد و استاد ایشان، حاج شیخ عبدالکریم حائری، نظر عرف را هم در تعیین مفاهیم و هم در تعیین مصادیق حجت می‌دانند (شیرازی‌زنجانی، ۱۴۱۹: ۵۰۳۳/۱۵). این مبنا، در کتاب «ثلاث رسائل فی الجهاد» به‌کار گرفته شده است. در باب «امان»، الحاق «مال» و «خانواده» شخص امان داده شده به او، امری عرفی تلقی شده و مورد پذیرش قرار گرفته است (ص ۹۲ و ۹۴) به‌نظر می‌رسد مؤلف کتاب، در پذیرش این مبنا، از استاد خود مرحوم محقق داماد تأثیر گرفته باشد.

۸. دسته‌بندی ساختاری به‌منظور تنقیح «موضوع». یکی از روش‌های تنقیح «موضوع» در این کتاب، دسته‌بندی ساختاری بحث با هدف روشن شدن ابعاد دقیق «موضوع» است تا از این رهگذر، «موضوع» شناخته شود. در باب «صابئه» برای شناخت موضوع «صابئه»، دو محور کلی مطرح شده است که برای محور نخست، چهار امر کبروی و در محور دوم، چهار امر صغروی به‌عنوان سؤالات منقح موضوع، مطرح شده است (ص ۱۶۷).

۹. استفاده از «استظهار محتوایی کلمات فقها». در برخی موارد برای شناخت ماهیت موضوع، به ظهور کلمات فقها تمسک شده است. در باب «صابئه»، برای شناخت ماهیت فرقه «صابئه»، از ظهور کلام ابن جنید استفاده شده است (ص ۱۶۶). همچنین در همان باب، در بررسی عنوان «من له شبهة الکتاب» برای شناخت مناط تشخیص موضوع، به ظهور کلمات فقها استناد شده است (ص ۱۷۴).

۱۰. بهره‌گیری از «استظهار ساختاری کلمات فقها». کشف موضوع گاهی از طریق دقت و ظهورگیری از ساختار کلمات فقها حاصل می‌شود. در این کتاب، در بحث موضوع «امان»، از اینکه فقها، باب «امان» را در کتاب جهاد در ردیف بحث‌هایی همچون «هدنه» و «جزیه» و دیگر متعلقات باب جهاد مطرح کرده‌اند، استظهار شده که موضوع «امان» در نزد آن‌ها، سرباز محارب و مانند آن است (ص ۲۴).

۳-۲-۲- نگاه جدید به موضوعات

«فقه اسلامی، مشتمل بر جوانبی است که منطبق بر همه جوانب زندگی انسان می‌باشد، فردیاً اجتماعياً سیاسیاً عبادیاً نظامیاً و اقتصادياً؛ فقه الله اکبر همین است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰). آنچه در نگاه جدید به فقه، مدنظر می‌باشد، این است که «استنباط فقهی براساس فقه اداره نظام باشد، نه فقه اداره فرد. فقه ما از طهارت تا دیات باید ناظر به اداره یک کشور، اداره یک جامعه و اداره یک نظام باشد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۶/۳۱).

اگر نگاه جدید به موضوعات، نگاهی خرد باشد، می‌تواند به «کثرت تفریع فروع» و اگر کلان باشد، به کشف نظریاتی همچون «فقه حکومتی» منجر شود. این کتاب، با نگرشی جدید به باب «امان»، «کثرت تفریع فروع» را در قالب بیان زوایایی تازه از این باب در ضمن هفت فرع فقهی، به‌کار گرفته است (ص ۵۴-۵۷)، چنان‌که با نگاهی حداکثری به فقه، بارها در ضمن موضوعات مختلف، به نظریه «فقه حکومتی» - فقه اداره جامعه اسلامی - اشاره کرده است (ص ۲۵، ۵۰، ۵۵، ۵۷، ۱۶۶، ۱۶۷).

۳-۲-۳- دسته‌بندی فروع و شقوق یک مسئله

یکی از روش‌های کشف دقیق «موضوع»، خرد کردن یک موضوع به چند ریزموضوع از طریق دسته‌بندی می‌باشد. این مهم، در این کتاب مورد توجه بوده است (ص ۱۱۰، ۱۶۷، ۲۷۵).

۳-۳- مختصات روش اجتهادی در «تبارشناسی»

مراد از «تبارشناسی»، شناسایی پیشینه مسئله فقهی در اقوال فقهاست. اهمیت آشنایی با اقوال در فرایند استنباط به حدی است که محقق بهبهانی آن را از شرایط اجتهاد می‌داند (بهبهانی، ۱۴۱۵: ۳۳۷). در این کتاب، سابقه‌شناسی با این روش صورت گرفته است که نقل اقوال، از قدیمی‌ترین فقهیانی که آرای آنان در دست بوده شروع می‌شود و به ترتیب تاریخ صدور، به مهم‌ترین و قوی‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد.

این دیرینه‌شناسی، دارای فایده‌های فراوانی است، از جمله: «کمک شایان به فهم درست مسئله»، «روشن شدن تاریخ طرح مسئله»، «آشنایی با نوآوری‌های فقها»، «شیوه مواجهه و تعامل فقها با مسئله»، «آگاهی از وجود اجماع یا شهرت قدما و متأخرین»، «دست‌یابی به ادله مسئله» (عابدی، ۱۳۷۳: ۴۱).

تبارشناسی با روش یادشده، یک سبک شاخص در این کتاب می‌باشد. مختصات این مرحله از روش اجتهادی، عبارت است از:

۱. پرهیز از تتبع و نقل گسترده اقوال. در این کتاب از کوتاهی و زیاده‌روی در «تبارشناسی» پرهیز شده و تنها در حد نیاز مسئله فقهی، بدان پرداخته شده است. بر این اساس، این روش تبارشناسی، حد میانه بین روش اجتهادی مکتب نجف و مکتب قم می‌باشد.

۲. پیشینه نقل اقوال در این کتاب، نسبت به اقوال «متأخرین» (از شیخ طوسی تا علامه حلی) و «متأخری المتأخرین» (از علامه حلی به بعد) و کمینه آن نسبت به اقوال قدما (فقهای غیبت کبری تا شیخ طوسی) دیده می‌شود.

۳. توجه به اقوال «معاصرین». از ویژگی‌های این کتاب، عنایت به آرای فقه‌های معاصر است. این روش، در موارد متعددی (ص ۴، ۱۰، ۱۱، ۴۰، ۴۱، ۶۴، ۸۴، ۹۲، ۹۴، ۲۴۸، ۲۵۵، ۲۶۸) انجام گرفته و بعضی از آن‌ها با نقد جدی همراه بوده است (ص ۶۴، ۱۲۲، ۱۸۹، ۲۵۹).

۴. توجه به اقوال فقه‌های «اهل تسنن». این ویژگی، از شباهت‌های روش اجتهادی این کتاب با روش اجتهادی مکتب قم و به‌طور خاص روش اجتهادی محقق بروجردی است. این روش در مباحث گوناگونی از این کتاب به‌چشم می‌خورد (ص ۳۱، ۴۰، ۹۱، ۱۰۷، ۲۳۴، ۲۶۷) با این شیوه، تمام فایده‌هایی که برای نقل اقوال فقه‌ها در ابتدای عنوان این بحث ذکر شد، در حوزه فکری اهل تسنن هم مورد استفاده فقیه قرار می‌گیرد. گفتنی است ذکر اقوال اهل تسنن در مواردی با نقد جدی همراه شده می‌باشد (ص ۲۳۹، ۲۴۰).

۵. بهره‌گیری از «استظهار محتوایی» (ص ۱۵، ۱۶، ۳۲، ۳۸، ۵۱، ۶۳، ۱۰۰، ۱۲۴، ۲۰۴، ۲۱۵)، «استظهار ساختاری» (ص ۲۶۹) و «اشعار» کلمات فقه‌ها (ص ۴۶، ۱۷۵، ۲۳۴). مراد از استظهار محتوایی، ظهورگیری از کلام یک فقیه جهت کشف یک قول است. مراد از استظهار ساختاری، ظهورگیری از ساختار مباحث یک فقیه جهت کشف یک قول و مراد از اشعار، اشاره و دلالت ضعیف کلمات یک فقیه است که از آن می‌توان کشف قول کرد.

۶. «بررسی و نقد جدی اقوال فقه‌ها». فراوانی نقدهای عمیق در جای‌جای این کتاب، علاوه بر اینکه حاکی از قوت فقهی ناقد است، نشان‌دهنده شجاعت علمی و دغدغه داشتن نسبت به غنی‌سازی علمی فتوا از طریق بررسی آرای فقه‌های بزرگ می‌باشد. در میان فقه‌هایی که کلام‌شان در این کتاب مورد بررسی و خدشه قرار گرفته است، علامه حلی و صاحب‌جواهر بیشترین سهم را دارند، به‌طوری‌که در جای‌جای کتاب، می‌توان نقل و بررسی رأی این دو فقیه را به روشنی مشاهده کرد.

۷. تبیین قوی «قول مخالف» با ذکر وجوه مختلف استدلال و سپس نقد جدی. در این کتاب، در مواردی، پیش از نقد، ابتدا قول مخالف با وجوه گوناگون استدلال، مورد تبیین عمیق قرار گرفته و سپس به تبیح نقد سپرده شده است. از آن جمله، بحث ادعای کافر جنگی نسبت به امان خواهی است. در این بحث، پیش از نقد قول «قبول ادعای کافر»، سه وجه به‌طور تفصیلی و با تبیین قوی در اثبات قول مذکور ارائه شده، آنگاه تک‌تک آن وجوه، مورد نقد جدی قرار گرفته است (ص ۱۲-۱۳۵).

۳-۴- مختصات روش اجتهادی در «بررسی ادله»

ادله مورد استفاده فقیه دو قسم کلی دارد: «دلیل اجتهادی» و «دلیل فقاهتی»؛ مورد نخست، خود به دو قسم «دلیل لفظی» و «دلیل غیرلفظی» تقسیم می‌شود. دلیل لفظی شامل «آیات» و «روایات» و دلیل غیرلفظی در این کتاب، دارای مصادیقی چون «اجماع»، «عقل»، «سیره»، «فعل معصوم»، «تسالم»، «ارتکاز»، «شهرت» و «مذاق» است. نظر به اینکه در این کتاب، کمتر از دلیل فقاهتی استفاده شده است، مختصات روش اجتهادی در این بحث، در ضمن دو عنوان تبیین می‌گردد: «دلیل اجتهادی لفظی» و «دلیل اجتهادی غیرلفظی».

۴-۳-۱- مختصات روش اجتهادی در «بررسی دلیل اجتهادی لفظی»

مراد از دلیل لفظی، آیات و روایات است. روش اجتهادی این کتاب در بررسی این نوع از دلیل، دارای مختصات ذیل می‌باشد:

۱. استدلال به آیات و روایات جدید در یک فرع فقهی. در این کتاب، در استدلال به آیات، تنها به آیاتی که دیگران استفاده کرده‌اند، بسنده نشده است و سعی بر این بوده که به آیات جدیدی از قرآن کریم که تاکنون در یک فرع فقهی مورد توجه نبوده نیز استدلال شود. این شیوه در موارد متعددی اعمال شده است (ص ۸۷، ۱۷۷، ۲۳۷، ۲۶۹). در استدلال به روایات هم، در مواردی از روایات جدید استفاده شده است (ص ۲۰۱، ۲۰۷).

۲. بهره‌گیری از روایات تفسیری در بیان آیات (ص ۱۵۸).

۳. دسته‌بندی روایات. در باب «امان»، در بحث ادله اشتراط اسلام، روایات این موضوع، دسته‌بندی شده است (ص ۷۳) نیز در استدلال بر عدم نفوذ تصرفات صبی و مجنون، روایات، طائفه‌بندی شده است (ص ۷۱).

۴. استدلال به روایات نقل شده در کتب فقهی شیعه و اهل تسنن که در مجامع روایی وجود ندارند (ص ۳۱).

۵. استدلال به روایات مجامع روایی اهل تسنن و بررسی سندی و دلالتی آن‌ها (ص ۹، ۲۴۲، ۲۴۳).

۶. استفاده از روایات نقل شده در کتب تاریخی اهل تسنن (ص ۴۳، ۸۱، ۲۲۷).

۷. مذاق‌شناسی روایات. در باب مهاده، ادعای اختصاص «عدم تبعیت عقد از شرط در فساد»

به باب بیع و نکاح، با مذاق‌شناسی روایات مربوطه رد شده است (ص ۲۵۲).

۸. اصل «تصحیح سند روایات در حد امکان». در این کتاب در عین سخت‌گیری در اعتماد به سند روایات، سعی بر این است که براساس مبانی موجود در علم رجال، تا جایی که ممکن می‌باشد سند روایات تصحیح شود. این اصل در موارد متعددی، اجرا شده است (ص ۱۰، ۳۴، ۶۹، ۱۱۹).

۹. توجه ویژه به شرایط صدور در فقه‌الحديث (ص ۲۷).

۱۰. توجه ویژه به طبقات روات در فقه‌الحديث (ص ۱۱، ۱۲، ۱۱۹، ۲۴۳).

۱۱. نقد و بررسی ظهورات کلمات رجالیون (ص ۱۱).

۱۲. بررسی اختلاف نسخ و اثبات نسخه صحیح (ص ۱۱، ۳۴، ۳۵).

۱۳. مبانی رجالی به‌کار گرفته شده در فقه‌الحديث. در این کتاب، در بررسی سندی روایات، این مبانی رجالی به‌کار گرفته شده است: حجیت روایات «اصحاب اجماع» (ص ۱۱)، حجیت روایات «عده‌ای که مشهورند که فقط از ثقه نقل می‌کنند» (ص ۲۵۲)، وثاقت «مشایخ ثقات» (ص ۱۳، ۶۹، ۷۰، ۲۳۱، ۲۳۴)، وثاقت تمام راویان اسناد «کامل‌الزیارات» (ص ۱۰، ۳۴، ۸۳، ۲۳۱)، وثاقت تمام راویان اسناد «تفسیر علی بن ابراهیم قمی» (ص ۱۲)، وثاقت تمام «مشایخ کلینی» (ص ۲۵۰)، عدم حجیت «مرسلات جزمی شیخ صدوق» (ص ۲۶۵)، جابریّت «عمل اصحاب» نسبت به ضعف سند (ص ۱۳۱)، جابریّت «تصافیر روایات» نسبت به ضعف سند (ص ۷۱)، اعتبار همه اخبار «سهل بن زیاد» در «کافی» (ص ۲۵۰).

البته بحث معظم‌له راجع به تفسیر علی بن ابراهیم و آمیخته شدن آن با تفسیر ابی‌الجارود مفصل است و از نظر معظم‌له، اگر روایت معلوم نباشد که از تفسیر علی بن ابراهیم می‌باشد یا ابی‌الجارود، این قاعده در مورد آن جاری نیست.

از میان مختصات سیزده‌گانه یادشده، شماره‌های ۳، ۵، ۹ و ۱۰ از مختصات مکتب فقهی قم و به‌طور مشخص، از مختصات روش اجتهادی آیت‌الله بروجردی است.

۴-۳-۲- مختصات روش اجتهادی در «بررسی دلیل اجتهادی غیرلفظی»

ادله غیرلفظی که در روش اجتهادی این کتاب به‌کار گرفته شده است، عبارت است از: «اجماع»، «عقل»، «سیره»، «فعل معصوم»، «تسالم»، «ارتکاز»، «شهرت» و «مذاق». مختصات روش اجتهادی در این بخش، از این قرار است:

۱. «اجماع». اجماعی که یکی از ادله اربعه می‌باشد و حجیت دارد، اجماع حدسی کاشف از رای معصوم است که از فتاوی فقهای نزدیک به عصر معصومان (علیهم‌السلام) تا زمان شیخ طوسی

احراز شده باشد؛ بنابراین، اجماع فقهای بعد از شیخ طوسی - به جهت عدم کاشفیت از رأی معصوم - حجت نیست (ص ۱۱۳). بر پایه این مبنا، قول موافق یا مخالف فقیهی همچون ابن جنید در یک مسئله فقهی، در تحقق یا عدم تحقق اجماع دخیل است (ص ۱۶۶). در این روش اجتهادی، «اجماع مدرکی» فاقد حجیت می‌باشد (ص ۲۴، ۷۳، ۱۱۱، ۱۱۳).

۲. «عقل». از حکم عقل به عنوان دلیلی بر عدم جواز «فعل دارای مفسده» (ص ۵۳) و دلیلی بر جواز «فعل دارای مصلحت» استفاده شده است (ص ۲۰۲).

۳. «سیره». در موارد متعددی به سیره تمسک شده است که استناد به «سیره معصوم» و «سیره عقلا» از جمله آن موارد می‌باشد (ص ۱۴، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۵۳، ۲۰۲، ۲۲۰) و در «سیره عقلا»، به «امضای قولی» یا «امضای فعلی» معصوم، به مثابه حجت تأییدکننده‌ای فراتر از «عدم ردع»، استناد شده است (ص ۱۴).

۴. «فعل معصوم». به «فعل معصوم» به عنوان یک دلیل افاده‌کننده حکم شرعی، در مسائل مختلف استناد شده است (ص ۲۰۴، ۲۲۰، ۲۳۳، ۲۳۹، ۲۴۱).

۵. «تسالم». تعبیر «تسالم» به معنای «همراهی کردن» و «تسلیم بودن» است و از جهت بار معنایی، از اجماع بالاتر می‌باشد. از این دلیل، در چند مورد استفاده شده است (ص ۹۷، ۱۳۶، ۲۰۱، ۲۳۷، ۲۶۳).

تعبیر تسالم بیشتر در کلمات مرحوم خوئی آمده است و مراد از آن صرف اتفاق فقها نیست، بلکه مراد این است که مسئله در نزد فقها از واضحات و بدیهیات می‌باشد. و واضح است که چنین مفهومی، فراتر از اجماع می‌باشد. در کتاب ثلاث رسائل، این تعبیر به سه شکل استفاده شده است: تسالم اصحاب، تسالم فقها و تسالم مسلمین. دو تعبیر نخست، به یک معنا است، اما تعبیر سوم فراتر از آن دو تعبیر می‌باشد، زیرا به این معناست که مسئله نه تنها در بین فقها بلکه حتی در میان همه مسلمانان از واضحات است، مانند وجوب نماز صبح.

۶. «ارتکاز». از «ارتکاز»، تنها در یک مورد جهت بررسی مضمون ادله استفاده شده است (ص ۵۰).
 ۷. «شهرت». در این کتاب، «شهرت» همانند «اجماع» در صورت مستند بودن به ادله مشخص، «مدرکی» نامیده شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد (ص ۲۴)، اما در مواردی که فاقد مستند بوده، مورد استدلال قرار گرفته است (ص ۶۶، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۲۳).

۸. «مذاق». به منهج فکری یا سلیقه‌ای که از مجموع افکار، احکام عملی و موضع‌گیری‌های یک شخص در وقایع مختلف فهمیده می‌شود، «مذاق» می‌گویند و مراد از «مذاق شرع»، منهج شارع است که از مجموع احکام، مبانی و موضع‌گیری‌های او کشف می‌شود (لجنة الفقه المعاصر، ۱۴۴۱: ۲۳۱). در کتاب «ثلاث رسائل فی الجهاد»، با «مذاق‌شناسی عرف» بر اثبات «موکول بودن همه امور جنگ به دست امام» (ص ۳۲) و با «مذاق‌شناسی احکام شرعی» بر اثبات «مناطق نبودن مفسده و مصلحت شخصی برای جواز امان» (ص ۵۷) و با «مذاق‌شناسی شرع» بر لزوم احتیاط در امر دماء (ص ۱۸۶) استدلال شده است.

۹. استفاده از علم اصول در این کتاب، تنها در حدی است که نیاز بحث طلب کند. این ویژگی، از مختصات مکتب فقهی قم می‌باشد.

۳-۵- مختصات روش اجتهادی در «سنجه مصلحت»

از ویژگی‌های برجسته روش اجتهادی به‌کار رفته در این کتاب، در نظر گرفتن «سنجه مصلحت» در اجتهاد است. این سنجه، در دو باب «امان» و «مهاده»، در چند فرع فقهی، با عناوین و قالب‌های مختلف به‌کار گرفته شده است که از آن جمله: اشتراط «صحت امان» به «رعایت مصلحت» (ص ۲۲ و ۵۴)، دوران «سعه امان» مدار «مصلحت» (ص ۵۰)، «لزوم رعایت مصلحت» در فرض «جواز امان بعد از اسیر گرفتن» (ص ۸۷)، اختلاف «مصلحت» به اختلاف «موارد» در باب «امان» به جهت تغییر دو عنصر «زمان» و «مکان» (ص ۵۶)، ملاک بودن «مصلحت نوعی» در مقابل «مصلحت شخصی» (ص ۵۶ و ۵۷)، اشتراط «جواز مهاده» به «وجود مصلحت» (ص ۲۰۲)، مراتب «مصلحت» در «مهاده» (ص ۲۰۳)، مصادیق جدید «مصلحت» در باب «مهاده»: «تبلیغ مثبت به سود نظام اسلامی به‌عنوان نظامی که به دشمنانش پیشنهاد صلح می‌دهد»، «ترساندن دشمن دیگری که به دلیل درگیر بودن نظام اسلامی به جنگ، در آن طمع بسته است»، «جو مثبت در مجامع جهانی»، «اتمام حجت بر دشمنان کافر»، «فراهم آوردن زمینه تمایل کفار به اسلام» (ص ۲۰۳ و ۲۲۹)، اشتراط «مصلحت» در تعیین مدت «مهاده» (ص ۲۰۷ و ۲۱۲)، عدم وجود «مصلحت» در ابدی کردن «مهاده» (ص ۲۰۶)، رعایت «مصلحت» در عقد هدنه (ص ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۴، ۲۷۶) و قاعده «مصلحت» در فروعات (ص ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۸، ۲۲۹).

این موارد نشان‌دهنده این است که نگاه این کتاب به موضوعات فقهی با در نظر گرفتن «سنجه مصلحت» است؛ یعنی آنجا که «مصلحت» در یک موضوع فقهی دخالت داشته باشد، در فرایند استنباط، پیش از صدور فتوا، لحاظ می‌شود.

۳-۶- مختصات روش اجتهادی در «تولید فتوا»

از آنجا که تولید فتوا در این کتاب، با دغدغه «دقیق بودن فتوا» و «توجه به همه جوانب لازم در افتاء» همراه بوده، از ظرافت‌های فقهی و روشی برخوردار است که از آن جمله: «رفت و برگشت‌های فراوان در یک فرع فقهی» (ص ۲۳۶-۲۴۵)، استفاده از تعبیر «الانصاف» (ص ۲۸، ۳۷، ۸۲، ۸۶)، «بررسی آثار اجتماعی فتوا قبل از افتاء» (ص ۲۲، ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۱۳۰ و ۱۳۱، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۲)، بهره‌گیری از مهارت «تجمیع ظنون» به کمک «استظهار عرفی» (ص ۱۲) و «استشهاد به وقایع تاریخی» (ص ۳۸ و ۸۵) در فرایند کشف حکم.

۳-۷- «مقایسه تطبیقی مختصات کتاب با مختصات مکتب قم، مکتب نجف و فقه جواهری»

با مقایسه تطبیقی مختصات روش اجتهادی به‌کار رفته در کتاب «ثلاث رسائل فی الجهاد» با روش اجتهادی دو مکتب فقهی قم و نجف در کنار روش اجتهادی فقه جواهری، این نتیجه به‌دست می‌آید که قالب روش اجتهادی این کتاب، فقه جواهری است و از میان دو مکتب یادشده بیشتر به روش اجتهادی مکتب فقهی قم شباهت دارد و البته بی‌بهره از روش اجتهادی مکتب فقهی نجف هم نیست. جدول ذیل، این مقایسه تطبیقی را به‌خوبی نشان می‌دهد.

مقایسه تطبیقی مختصات روش اجتهادی کتاب «ثلاث رسائل» با مکتب قم، نجف و فقه جواهری

مختصات ویژه کتاب	مطابقت با روش اجتهادی فقه جواهری	مطابقت با روش اجتهادی مکتب فقهی قم	مطابقت با روش اجتهادی مکتب فقهی نجف	مختصات روش اجتهادی کتاب «ثلاث رسائل فی الجهاد»
<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	-	مفهوم پژوهی به جای مفهوم شناسی
<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	-	بهره‌گیری از ارتکازات ذهنی
-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	توجه به عنصر زمان و مکان
<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	-	حجیت عرف در تعیین مصادیق
<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	-	استفاده از استظهارات ساختاری
-	-	-	<input checked="" type="checkbox"/>	کثرت تفریع فروع
-	-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	توجه ویژه به اقوال گذشتگان
<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	-	تتبع در حد اعتدال «اقوال»
-	-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	توجه به اقوال فقهای اهل تسنن
<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	-	توجه ویژه به اقوال معاصرین

-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	جرات نقد جدی نظرات اعلام
-	-	-	<input checked="" type="checkbox"/>	تقریب قوی اقوال
<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	-	استدلال به آیات و روایات جدید
-	-	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	دسته‌بندی روایات
<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	-	استدلال به روایات موجود در کتب فقهی شیعه و اهل تسنن
-	-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	استدلال به روایات اهل تسنن
<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	-	مذاق‌شناسی روایات، احکام و عرف
-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	مذاق‌شناسی شرع
<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	-	«اصالة التصحیح» در سند روایات
-	-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	توجه ویژه به شرایط صدور روایات
-	-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	توجه ویژه به «طبقات روایات»
-	-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	جابریت و کاسریت «شهرت»
<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	-	جابریت «تصافروایات»
<input checked="" type="checkbox"/>	-	-	-	عدم حجیت «شهرت مدرکی»
-	-	<input checked="" type="checkbox"/>	-	رفت و برگشت‌های زیاد در یک فرع

—	—	—	<input checked="" type="checkbox"/>	اعتنا به سیره و استظهارات عرفی
—	—	<input checked="" type="checkbox"/>	—	استشهاد به وقایع تاریخی
		<input checked="" type="checkbox"/>		استفاده از علم اصول تنها در حد نیاز
—	—	<input checked="" type="checkbox"/>	—	غیرقابل پیش‌بینی بودن نظر فقیه
—	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	—	انباشت اطلاعات مختلف فقهی
—	<input checked="" type="checkbox"/>	—	—	تأکید بر اصالت‌های فقه
<input checked="" type="checkbox"/>	—	—	—	نوآوری‌های فراگیر
—	<input checked="" type="checkbox"/>	—	—	محدود نبودن به قواعد اصولی
—	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	—	اعتنا به روایات ضعیف
—	—	—	<input checked="" type="checkbox"/>	مجال اندک به دلیل عقل
—	—	<input checked="" type="checkbox"/>	—	بررسی آثار فتوا پیش از فتوا
<input checked="" type="checkbox"/>	—	—	—	نظریه فقه حکومتی
—	—	—	<input checked="" type="checkbox"/>	سخت‌گیری در اعتماد به سند روایات

از مختصات ذکر شده، می‌توان روش اجتهادی این کتاب را روشی «تحلیلی - تاریخی - واقعی» دانست. «تحلیلی» است، زیرا درون‌مایه فرایند استنباط در این کتاب، «تحلیل و تجمیع ظنون» است؛ «تاریخی» می‌باشد، چون در پاره‌ای از تحلیل‌ها از تاریخ کمک گرفته شده و با ابزار قرائن‌یابی، پیشینه یا ماهیت یک موضوع یا حکم فقهی کشف شده است («امان معاطاتی» (ص ۷۷)، کشف سعه موضوع «امان» (ص ۲۷) و کشف موضوع و عقاید «صابنه» (ص ۱۸۷-۱۹۳) نمونه‌هایی از تحلیل تاریخی است)؛ و «واقعی» می‌باشد، زیرا متعلق تحلیل‌ها، واقعیت و واقع است که در بستر سه عنصر «زمان»، «مکان» و «عرف»، به کشف موضوعات و نیز نظام‌های فقهی جدید از جمله

«فقه حکومتی» (ص ۲۵، ۵۰، ۵۵، ۵۷، ۱۶۶، ۱۶۷) منجر شده است. بر این اساس، باید این روش را روش اجتهادی «جامع‌نگر» یا «جامعیت‌محور» نامید، یعنی روش اجتهادی «جمع‌کننده بین اصالت (فقه سنتی) و معاصرت (فقه نوین)» و «جامع همه مختصات مثبت روش‌های اجتهادی پیشین و معاصر» است.

۴-۴- آثار مترتب بر روش اجتهادی کتاب «ثلاث رسائل فی الجهاد»

با توجه به مختصات ذکر شده، آثار مترتب بر این روش اجتهادی عبارت‌اند از:

۱. حجیت «اجماع»، «شهرت» و «سیره»

۲. جابریّت و کاسریت «شهرت» و جابریّت «تصاغر روایات»

۳. توجه ویژه به «عرف» و «تبع اقوال شیعه و اهل تسنن»

۴. لحاظ آثار اجتماعی فتوا پیش از افتاء

۵. عدم حجیت «شهرت مدرکی»

۶. وجاهت «نظریه فقه حکومتی»

۷. حجیت «عرف» در تعیین مصادیق

۸. مجال اندک به «دلیل عقل»

۹. حجیت «مذاق»

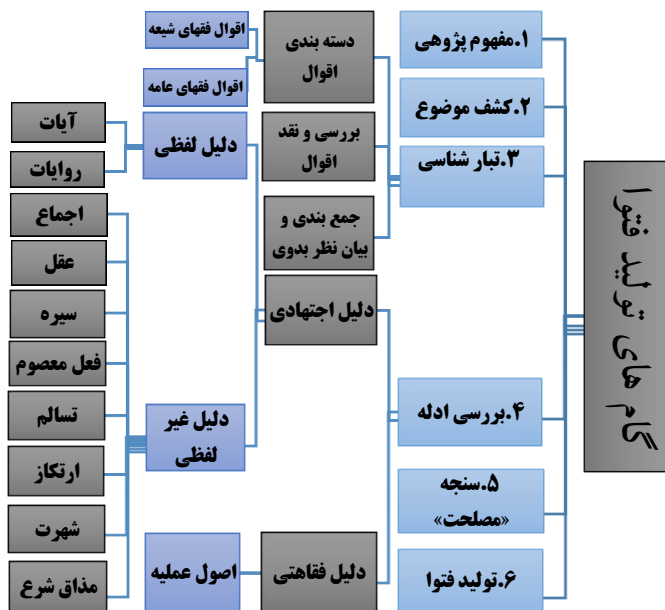
۴-۵- گام‌های تولید فتوا در روش اجتهادی کتاب «ثلاث رسائل فی الجهاد»

با توجه به اینکه تک‌تک گام‌های تولید فتوا در این کتاب، در ضمن بحث‌های پیشین، تبیین شده است، به ذکر دو جدول بسنده می‌شود. جدول نخست، به اختصار و جدول دوم با تفصیل بیشتری این گام‌ها را معرفی کرده است.

گام‌های تولید فتوا در کتاب «ثلاث رسائل فی الجهاد» - الگوی ۱



گام‌های تولید فتوا در کتاب «ثلاث رسائل فی الجهاد» - الگوی ۲



نکته‌ای که باید نسبت به این الگو مورد توجه باشد، آن است که این الگو در این کتاب، الگوی حداکثری می‌باشد، به این معنا که وقتی گام‌های تولید فتوا، دارای اجزای تام باشد، این الگو به طور کامل قابل تطبیق است و آنجا که این گام‌ها دارای اجزای ناقص باشد، این الگو را به طور نسبی می‌توان تطبیق کرد. گام «مفهوم‌پژوهی» و «سنجه مصلحت» از مواردی است که به فراخور فرع فقهی، به کار گرفته شده است. در این کتاب، در «تبارشناسی»، آنجا که «اتفاق آرا» یا «عدم خلاف» در میان بوده، به جای ذکر اقوال، به تعبیر «اجماع» یا «لاخلاف» اکتفا شده است.

گام‌های تولید فتوا در روش اجتهادی یادشده در این کتاب، شباهت زیادی به گام‌های تولید فتوا در روش اجتهادی مکتب فقهی قم دارد. نمونه‌های گام‌های تولید فتوا در این کتاب، در این صفحات قابل‌برگیری است: ۳، ۱۴، ۱۷، ۲۳، ۳۰، ۳۲، ۳۵، ۳۸، ۵۱، ۵۹، ۶۳، ۶۴، ۹۰، ۹۵، ۱۱۰، ۱۲۳، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۹.

نواندیشی‌های فقهاتی کتاب «ثلاث رسائل فی الجهاد»

نواندیشی‌های فقهاتی هر کدام از باب‌های «امان»، «صابئه» و «مهاده» جدا ذکر می‌شود. این نواندیشی‌ها شامل نواندیشی‌های «محتوایی»، «ساختاری» و «محصول جدید علمی» است.

۱. باب «امان»

بیشتر نواندیشی‌های فقهاتی این کتاب، در این باب دیده می‌شود که از این قرار است:

۱. بیان مواضع فقهی حکومت اسلامی در قبال حکومت‌ها و افراد غیرمسلمان (ص ۵).

این مواضع که چهار مورد است در واقع، دسته‌بندی کلان فروع فقهی مربوط به «سیاست خارجی» حکومت اسلامی نسبت به کشورها و افراد غیرمسلمان می‌باشد.

۲. تعریف جدید «امان»

این تعریف، پس از نقد و بررسی تعاریف برخی فقها و با در نظر گرفتن مفهوم لغوی و مواضع فقهی حکومت اسلامی در قبال حکومت‌ها و افراد غیرمسلمان، برای نخستین بار ارائه شده است: «قراری که از سوی مسلمانان به جهت رفع خوف و خطر ناشی از جنگ یا حالت جنگ، در حق یک یا چند نفر از کفار صادر می‌شود» (ص ۶).

۳. توسعه در موضوع «امان»

موضوع توسعه یافته «امان» که پس از نقد و بررسی احتمالات مختلف و براساس ادله به دست آمده عبارت است از: «همه کفار، اعم از هر صنف، گروه، دولت، ملت و افراد» (ص ۲۳، ۲۵، ۲۹).

۴. ماهیت «امان»

«امان» عقد نیست، بلکه چیزی بین عقد و ایقاع است و می‌توان آن را «شبه ایقاع» دانست (ص ۱۷ و ۲۱) و همچنین «امان»، امری تأسیس شده از سوی شارع نیست که «حقیقت شرعی» داشته باشد، بلکه امری عرفی است که از سوی شارع با اضافه کردن شروط و قیدهایی امضاء شده است (ص ۵۴ و ۹۲).

۵. مصداق‌یابی برای موضوع «امان» از فروع نوپیدا با توجه به سه عنصر «زمان»، «مکان» و «عرف». کفاری که برای گردشگری یا تجارت و مانند آن وارد کشور اسلامی می‌شوند از موضوعات جدید در باب «امان» محسوب می‌شوند که در این کتاب، با در نظر گرفتن عنصر «زمان»، «مکان» و «عرف‌های جدید زمانی و مکانی» شناسایی شده است. در چنین موضوعاتی، کیفیت صدور «امان» تغییر می‌کند و در قالب «خوشامد گویی» یا «دادن ویزا» تحقق می‌یابد (ص ۲۹، ۳۰).
۶. بیان فروع جدید در مسئله «میزان اشتراط مصلحت در امان».

برای این مسئله، هفت فرع فقهی مطرح شده و مورد بررسی قرار گرفته است: «متولّی تشخیص مصلحت»، «مقتضای قاعده در هنگام شک در وجود مصلحت در امان»، «نقض امان از سوی رهبر جنگ یا نائب او، در هنگام یقین به وجود مفسده در امان صادر شده از سوی مؤمنان»، «لزوم رساندن طالب امان به محل امنش، در صورت نقض شدن امان»، «اختلاف مصلحت به حسب اختلاف موارد»، «ملاک بودن مصلحت عامه نه مصلحت شخصی»، «عدم اشتراط «شنیدن کلام‌الله» به‌عنوان غایتی در صحت امان» (ص ۵۴-۵۸).

۷. عدم اکتفا به فصول رایجی که در باب «امان» در کلمات فقها وجود دارد. این، یک نواندیشی ساختاری است که در آن، پیش از شروع در بررسی فصول رایج در یک باب فقهی، اموری به‌عنوان مقدمه، ذکر می‌شود که تاکنون کسی آن‌ها را ذکر نکرده است. این امور اگرچه در کلمات فقها به‌طور پراکنده یافت می‌شود، اما این ساختار، یک نوآوری محسوب می‌گردد (ص ۶ و ۷).

۸. عدم تقید «امان» به «مدت». در میان فقها در اینکه «امان» باید برای چه محدوده زمانی صادر شود، اختلاف وجود دارد. برخی «چهار ماه»، عده‌ای «کمتر از یک سال» و جمعی «مطلق مدت» را بدون تعیین مقدار برای آن، ذکر کرده‌اند (ص ۸۸). در این کتاب، با استناد به اصل لفظی «اصالة الإطلاق»، از اساس، مشروط بودن «امان» به «مدت» حتی اگر مقدارش تعیین نشود، نفی شده است (ص ۸۹).

۹. عدم مانعیت وصف «أنوثیت» و «عبد بودن» در عاقد «امان». در باب «امان» در بحث شرایط «عاقد»، با ذکر دلیل ثابت شده است که وصف «ذکوریت» و «حریت» در «عاقد»، شرط نیست، بر این اساس، امانی که از سوی یک «زن» یا یک «عبد» صادر شود، صحیح خواهد بود (ص ۷۴).

۱۰. حجیت «امان معاطاتی» همانند «امان لفظی». منظور از «امان معاطاتی» فعل همراه قرینه‌ای است که دلالت بر «امان» کند، نه مطلق فعل. به مقتضای قواعد و ادله عام و نیز روایات خاص، چنین فعلی، همانند الفاظ دال بر «امان»، دارای آثار «امان» می‌باشد (ص ۷۷ و ۷۸).

۱۱. عدم حجیت «شهرت مدرکی». همان‌گونه که براساس یک مبنای اصولی، اگر «اجماع» مستند به مدرک مشخصی باشد، حجیت ندارد، در این کتاب، همین حکم بر «شهرت» هم بار شده است (ص ۲۴).

۱۲. جابریّت «تضافر روایات» نسبت به ضعف سند روایات. در این کتاب، «تضافر روایات» یک عامل مستقل در جبران ضعف سندی روایت ضعیف، شمرده شده است (ص ۷۱).

۲. باب «صابئه»

در این باب، تنها دو نواندیشی فقهی وجود دارد که هر دو در موضوع‌شناسی فقهی است:

۱. تحقیق فقهی جامع در موضوع‌شناسی «صابئه». در این کتاب، تصریح شده است که موضوع این بحث تاکنون توسط هیچ فقیهی واکاوی نشده است (ص ۱۶۶). بر این اساس، موضوع‌شناسی «صابئه» به‌طور تحلیلی انجام گرفته و با ذکر ادله اثبات شده است که «صابئه» از «اهل کتاب» محسوب می‌شوند (ص ۱۸۷-۱۹۳).

۲. تبیین تحلیلی در مراد از «کتاب» در تعبیر «اهل کتاب». مراد از «کتاب» در نظر مشهور، «تورات» و «انجیل» است، در حالی که در کتاب «ثلاث رسائل فی الجهاد»، با بیانی تحلیلی و براساس ادله و نیز قرائن اثبات شده است که مراد از «کتاب»، مطلق کتاب آسمانی است (ص ۱۶۸-۱۷۱).

۳. باب «مهاده»

در باب هدنه (قرارداد آتش‌بس و ترک محاصره)، چهار نواندیشی فقهاتی وجود دارد:

۱. اثبات جواز پیشنهاد «آتش‌بس» از سوی مسلمانان به کفار در فرضی که موجب کسر شأن مسلمین نباشد (ص ۲۷۴).

۲. تأسیس یک اصل در باب «مهاده».

با ملاحظه آیات و روایات، قطع حاصل می‌شود که «اصل، در مواجهه با کفار حربی، جنگ است و این اصل دارای استثنائاتی است که «مهاده» از جمله آن‌هاست (ص ۲۱۸).
۳. وثاقت همه «مشایخ کلینی».

در باب «مهاده»، در ضمن بررسی سند یکی از روایات، به این مبنای رجالی اشاره شده است (ص ۲۵۰).

۴. اعتبار همه اخبار «سهل بن زیاد» در «کافی».

در باب «مهاده»، در ضمن بررسی سند یکی از روایات، این مبنای رجالی از یکی از بزرگان علم رجال نقل و پذیرش شده است (ص ۲۵۰).

نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد، این نتایج قابل‌برگیری است:

۱. «روش‌شناسی اجتهاد»، شناسایی توصیفی یا تحلیلی مراحل منضبط فرایند استنباط حکم شرعی و «روش اجتهاد»، شیوه‌ای است که در آن، فقیه براساس مبانی پذیرفته شده، استدلالی را سامان می‌دهد و بر پایه آن استنباط می‌کند.

۲. با دقت در روش‌های اجتهادی، دو روش اصلی اجتهاد را می‌توان به‌دست آورد: روش **تجمیع ظنون** (روش تحلیلی؛ با اقسام «تحلیلی تاریخی»، «تحلیلی عرفی»، «تحلیلی تنزیهی»، «تحلیلی واقعی») و **روش صناعت محور** (روش تطبیقی)؛ مکتب فقهی قم از روش نخست و مکتب فقهی نجف از روش دوم بهره برده و هر روش، دارای مختصات، آثار مترتب بر روش و گام‌های تولید فتواست.

۳. نتیجه روش‌شناسی اجتهاد در کتاب «ثلاث رسائل فی الجهاد» که در ضمن پنج عنوان «ساختار بنیادین»، «روش اجتهادی معیار»، «مختصات روش اجتهادی»، «آثار مترتب بر روش» و «گام‌های تولید فتوا» صورت گرفت، این است که ساختار بنیادین و روش محوری اجتهاد در این کتاب، روش «فقه جواهری» و روش اجتهادی معیار - با توجه به مختصات روش اجتهادی این کتاب - آمیزه‌ای از روش «صناعت‌محور» و روش «تجمیع ظنون» می‌باشد که بر پایه مقایسه تطبیقی، سهم روش دوم بیشتر است. آثار مترتب بر روش اجتهادی این کتاب عبارت‌اند از: حجیت «اجماع»، «شهرت» و «سیره»، جابریت و کاسریت «شهرت» و جابریت «تصاغر روایات»، توجه ویژه به «عرف» و «تبع اقوال شیعه و اهل تسنن»، حجیت وثاقت خبری در طول حجیت وثاقت مُخبری،

لحاظ آثار اجتماعی فتوا پیش از إفتاء، عدم حجیت «شهرت مدرکی»، و جاهت «نظریه فقه حکومتی»، حجیت «عرف» در تعیین مصادیق، مجال اندک به «عقل» و حجیت «مذاق».

۴. براساس مختصات روش اجتهادی این کتاب، می‌توان روش «تحلیلی - تاریخی - واقعی» را به آن نسبت داد. «تحلیلی» است، زیرا درون‌مایه فرایند استنباط در این کتاب، «تحلیل و تجمیع ظنون» می‌باشد؛ و «تاریخی» است چون در پاره‌ای از تحلیل‌ها، از تاریخ کمک گرفته شده و با ابزار قرائن‌یابی، پیشینه یا ماهیت یک موضوع یا حکم فقهی کشف شده است («امان معاطاتی» (ص ۷۷)، کشف سعه موضوع «امان» (ص ۲۷) و کشف موضوع و عقاید «صابنه» (ص ۱۸۷-۱۹۳)، نمونه‌هایی از «تحلیل تاریخی» است)؛ و «واقعی» می‌باشد، زیرا متعلق تحلیل‌ها، واقعیت و واقع است که در بستر سه عنصر «زمان»، «مکان» و «عرف»، به کشف موضوعات جدید و نیز نظام‌های فقهی جدید از جمله «فقه حکومتی» (ص ۲۵، ۵۰، ۵۵، ۵۷، ۱۶۶، ۱۶۷) منجر شده است. بر این اساس، باید این روش را روش اجتهادی «جامع‌نگر» یا «جامعیت‌محور» نامید به معنای «جمع‌کننده بین اصالت (فقه سنتی) و معاصرت (فقه نوین)» و «جامع همه مختصات مثبت روش‌های اجتهادی پیشین و معاصر». روش‌شناسی اجتهاد در این کتاب، می‌تواند مقدمه‌ای بر کشف «مکتب فقهی» مؤلف ژرف‌اندیش و جامع‌نگر آن باشد.

نواندیشی‌های فقه‌ای این کتاب، بیشتر در باب «امان» و شامل نواندیشی‌های «محتوایی»، «ساختاری» و «محصول جدید علمی» است.

منابع

فارسی

- قرآن کریم
- اصفهانی، محمد حسین (۱۳۷۴ق). *نهایة الدراية فی شرح الکفاية*، قم، سید الشهداء.
- ایزدهی، حسین، (مبلغی، احمد؛ علیدوست، ابوالقاسم؛ علوی بروجردی، سید محمد جواد؛ عندلیب همدانی، محمد؛ کاهانی، سید محمد؛ قاینی، محمد مهدی) (۱۳۹۸). *درآمدی بر مکتب فقهی قم و نجف*، قم، اشراق حکمت.
- بدوی، عبدالرحمن، (۱۳۷۴)، *مراکز پژوهشی، سازمان‌های فقهی و مجموعه‌های وابسته*، مجله فقه اهل بیت (علیهم‌السلام) (فارسی)، مترجم: محمد جواد مهدوی، شماره ۴، ص ۱۷۴-۱۸۲.
- بروجردی، حسین، (۱۴۱۶ق)، *البدر الزاهر فی صلاة الجمعة والمسافر، منتظری، حسین علی*، قم: دفتر معظم‌له.
- بهبهانی، محمد باقر، (۱۴۱۵ق)، *الاجتهاد والتقلید (الفوائد الحائرية)*، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله):
farsi.khamenei.ir
- جعفری، علیرضا، (۱۳۹۸)، *بررسی و روش‌شناسی تحلیلی دو مکتب فقهی قم و نجف*، مقطع دکترا، دانشگاه قم.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶)، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية*، بیروت، دارالعلم للملایین.
- خامنه‌ای، علی، (۱۳۹۷)، *ثلاث رسائل فی الجهاد: الأمان و الصانبة و المهادنة*، طهران، مؤسسه الثورة الإسلامية.
- دفتر فرهنگستان علوم اسلامی قم، (۱۳۹۲)، *اجتهاد و بررسی روش‌های آن*، قم، انتشارات کتاب نشر.
- شبیری‌زنجانی، موسی، (۱۴۱۹ق)، *کتاب نکاح*، قم، موسسه پژوهشی رأی پرداز.
- صانعی دره بیدی، منوچهر؛ صلیبا، جمیل، (۱۳۶۶ش)، *تهران، انتشارات حکمت*.
- صدر، محمدباقر (۱۴۱۸ق)، *دروس فی علم الأصول*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- ضیائی فر، سعید، (هادوی تهرانی، مهدی)، (۱۳۸۵)، *پیش‌درآمدی بر مکتب‌شناسی فقهی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی.
- عابدی، احمد، (۱۳۷۳)، *شیوه شیخ در فقهت*، آینه پژوهش، ش ۲۷، ص ۳۸-۵۳.
- عراقی، ضیاءالدین، (۱۳۸۸)، *الاجتهاد و التقلید*، قم، نوید اسلام.
- علیدوست، ابوالقاسم، (۱۳۹۷)، *روش‌شناسی صاحب‌جواهر(ره)*، همایش نکوداشت صاحب‌جواهر(ره)، بازایی شده از شبکه اجتهاد: ijtihadnet.ir
- علیدوست، ابوالقاسم؛ لطفی، محمدجواد (۱۳۹۹)، *مقایسه روش اجتهادی صاحب‌جواهر و محقق‌خویی*، فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای فقهی و اصولی، ش ۱۹، ص ۱۲۵-۱۵۱.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، قم، مؤسسه دارالهجرة.
- کعبی، عباس (۱۳۹۸)، *روش‌شناسی اجتهاد حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در کتاب «ثلاث رسائل فی الجهاد»* (نشست علمی)، بازایی شده از: farsi.khamenei.ir
- گلاب بخش، مریم، (۱۳۸۲)، *متدولوژی اجتهاد فقهی*، مقطع کارشناسی ارشد، بی‌جا.
- لجنة الفقه المعاصر (۱۴۴۱ق)، *الفائق فی الاصول*، قم: مرکز إدارة الحوزات العلمية.

- مبلغی، احمد (۱۳۹۰)، روش‌شناسی اجتهاد در اقوال، نشریه فقه، ش ۶۸، ص ۳-۲۰.
- مبلغی، احمد (۱۳۹۰)، روش‌شناسی اجتهاد قم و نجف (نشست علمی)، بازیابی شده از: www.fahim.com
- مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹)، فرهنگ نامه اصول فقه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- موسوی خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۷ق)، الهدایة فی الاصول، مقرر: حسن صافی اصفهانی، قم، موسسه صاحب الأمر (عج).
- میرباقری، سید محمد مهدی؛ مرتضوی نژاد، سید مهدی، (۱۳۹۶)، روش‌شناسی فقه حکومتی، دوفصلنامه علمی - تخصصی پژوهش‌نامه میان‌رشته‌ای فقهی، شماره دوم، ص ۱۱۹-۱۴۷.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۵۲)، اجود التقریرات، خویی، ابوالقاسم، قم: مطبعة العرفان.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۷۶)، فوائد الاصول، کاظمی، محمدعلی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- واسطی، عبدالحمید (۱۳۹۵)، بی‌جا، بی‌نا.